

Tuesday, August 06, 2019
10:20 AM

دفاع از تعدد زوجات در اسلام

سید کبیر حسینی^{*}

چکیده

موضوع «تعدد زوجات» از موضوعات بحث برانگیز و مورد توجه و تأمل اندیشمندان مختلف بوده است. «چند همسری» سابقه‌ای دیرین، و دوران درازی داشته و در میان ملل و ادیان قبل از اسلام به صورت بی‌حد و حصر و ظالمانه شایع و رایج بوده است. باید گفت چند همسری ره‌آورد اسلام نیست، اما انحصار تعدد در چهار زن و وضع شرایط و مقررات و محدودیت‌هایی را در آن می‌توان به اسلام نسبت داد. به‌هرحال، ظاهراً به خاطر پاره‌ای مشکلات مانند عقیمی زودرس زنان نسبت به مردان، وجود بیماری‌های مقاربتی و دیگر عذرهای زنانه که مانع آمیزش جنسی و افزایش زنان نسبت به مردان، تعدد را اولاً منحصر در چهار زن و ثانیاً با شرط رعایت عدالت میان همسران، مجاز و مباح نموده است... تعدد شوهر در آن واحد به دلیل این که موجب ابهام و اختلال در نسبتها و شناسایی افراد می‌شود مجاز نیست. دلیل دیگر این امر می‌تواند تک‌همسری بودن طبیعت زن باشد. تعدد زوجات در اسلام از آیاتی از قرآن کریم و روایات پیشوایان دینی و فتاوی فقها و گفتار مفسران قابل استفاده است. قانون تعدد زوجات در اسلام بر اساس اصول عقلانی استوار است که در صورت اجرای صحیح و مناسب آن نه موجب شهوترانی مردان و نه سبب تنزل منزلت زنان می‌شود، زیرا تعدد زوجات ضرورتی بوده است که بیش از آنکه به نفع مردان و در خدمت شهوترانی آنان باشد چاره اندیشی ظریفانه و مناسب و به نفع و مصلحت زنان می‌باشد.

کلید واژه‌ها: تعدد زوجات، چند زنی، اسلام، چند شوهری، منزلت زن، شرایط تعدد، عواطف زنان.

* دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس / skhosaini@gmail.com

مقدمه

موضوع «تعدد زوجات» یکی از اشکالاتی است که در دنیا و به خصوص جوامع غربی و اندیشمندان و متفکران مدافع حقوق زن مطرح می‌شود. موضوع از آنجا حادث و داغ‌تر می‌شود که در کنار جواز تعدد زوجات، تعدد زوج یا داشتن شوهران متعدد در آن واحد و یک زمان از نظر اسلام ممنوع و ناموجه دانسته شده است. به هر حال، موضوع دفاع از تعدد زوجات در اسلام، در نگاه اول و بدو امر به ظاهر موضوع خوشایند و موجهی به نظر نمی‌رسد.

احتمالاً از موضوع چنین استنباط می‌شود که اسلام طرفدار تعدد بی‌قید و شرط است و هیچ گونه محدودیتی برای آن قائل نیست. با تعدد زوجات، ارزش و منزلت زن را زیر سؤال برده و نظر حداکثر انسان درجه دو را به جنس زن و طبقه اناث دارد. همچنین با تعدد هم‌سران، موجب پایمال شدن حقوق زنان شده و راه بوالهوسی و شهوت‌رانی را برای مردان هموار ساخته و از جنس زن استفاده ابزاری نموده و آنان را در خدمت مردان قرار می‌دهد. اما آیا واقع امر و حقیقت مطلب نیز چنین است؟ اگر نیست چه شرایط و محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است؟ در نوشته حاضر تعدد زوجات در میان ملل و ادیان قبل از اسلام مطرح شده و با تعدد زوجات در اسلام به نحوی مقایسه شده است و به این پرسش پاسخ داده شده که آیا ظلم و ستمی که بر زنان در طول تاریخ رفته است، چه مقدار موضوع تعدد زوجات در آن نقش داشته است؟ راه حل جامع در خصوص مسئله چندهمسری چیست؟ آیا باید قانون تعدد ملغی شود یا با ایجاد شرایط و محدودیت‌هایی قانون تعدد به حال خود باقی بوده، کاراً و کارساز شده و رسالت و وظیفه خود را در قابل سلامت و سعادت جامعه و مرد و زن، هردو به خوبی و شایستگی ایفا نماید؟

۱. تعدد زوجات در میان ملل و ادیان پیش از اسلام

تعدد زوجات از موضوعات مهم و مورد مناقشه دانشمندان و اندیشه‌های گوناگون بوده است. این موضوع سابقه‌ای دیرین و پیشینه‌ای طولانی دارد. مطالعه اوراقی از تاریخ گواه این موضوع است که در میان ملل و ادیان مختلف گذشته، اختیار همسران متعدد منحصر در چهار زن نبوده بلکه بی‌حد و اندازه بوده است.

در گذشته‌های دور و قبل از اسلام، یک مرد حق داشت زنان متعدد اختیار کند و از این رهگذر، ظلم‌ها و ستم‌های بی‌شماری در حق زن روا داشته می‌شد. عرب جاهلی نمونه خوبی از ستم‌های بی‌شمار در حق زنان است. در کنار ظلم‌های بی‌حساب، یکی هم بی‌حد و مرزی در ازدواج و چند زنی و عدم انفاق و تأمین زنان بود. ازدواج‌های متعدد و با نام‌های مختلف ضماء (ازدواج چند مرد با یک زن)، نکاح مقت (ازدواج پسر

بزرگ خانواده با همسر پدر متوفایش)، نکاح جمع(به زنا واداشتن کنیزان)، نکاح بدل(تعویض همسران)، نکاح خدن(زناى پنهانی)، سفاح(زنا)، نکاح شغار(نکاح خواهر یا دختر طرف مقابل به ازای خواهر یا دختر خود)، ازدواج اجباری و... انجام می‌گرفت. همچنین زنان نه تنها از مهر و نفقه و ارث محروم بودند بلکه با اجبار به کارهای شاق و طاقت فرسا وادار شده و استثمار می‌شدند.(موسوی مبلغ، maarefquran.org: حسینی، ۱۳۹۵) بنابراین، گفتار شرق‌شناسان که تعدد زوجات را سوغات و ره‌آورد اسلام و پیامبر اعظم اسلام، دانسته‌اند نادرست و ناصواب است.(تعدد زوجات: wikifeqh.ir) البته به گفته بعضی از مفسرین به نحوی می‌توان تعدد زوجات را در گذشته یک ضرورت اجتماعی دانست.(کیاها سی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۳۱۵) اما تعدد در اسلام به نفع زنان و خانواده و به مصلحت مردان، محدود و مقید به شرایطی گردید. مع‌الوصف قانون تعدد زوجات در اسلام نه تنها به خوبی و با تمام لوازم و شرایط خود در میان دیگر ملت‌ها معرفی نشده، بلکه بسیار بد و ناروا و ناپسند معرفی شده است.

گوستاولوبون در این خصوص می‌نویسد:

در اروپا هیچ یک از رسوم شرقی‌ها به اندازه تعدد زوجات، بد معرفی نشده و درباره هیچ رسمی هم این قدر نظر اروپا به خطا نرفته است. نویسندگان اروپا تعدد زوجات را شالوده مذهب اسلام دانسته و در انتشار دیانت اسلام و تنزل و انحطاط ملل شرقی، آن را علت‌العلل قرار داده‌اند... ولی تصور مزبور از جمله تصوراتی است که هیچ مدرک و اساسی بر آن نیست. اگر خوانندگان برای مدت کوتاهی تعصبات اروپایی را از خود دور نمایند تصدیق خواهند کرد که رسم تعدد زوجات برای نظام اجتماعی شرق، یک رسم عمده است... و در نتیجه همین رسم است که در مشرق [زمین]، اعزاز و اکرام زن بیش از اروپاست... رسم تعدد زوجات ابتدا مربوط به اسلام نیست، چه قبل از اسلام هم رسم مذکور در میان تمام اقوام شرقی، یهود، ایرانی، عرب، مصر، چین، هند و غیره شایع بوده است.(محمود، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م، ج ۱: ۱۴۷-۱۴۹؛ باجوری، ۱۹۸۶م، ج ۱: ۱۴۳، ۱۴۴ و ۱۴۶؛ وافی، ۱۹۶۰م، ج ۱: ۵۵؛ کیبسی، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م، ج ۱: ۸۱-۸۰؛ منتسکیو، ۱۳۴۹: ۴۳۵-۴۳۴؛ زحیلی، ۲۰۰۰م: ۷؛ ویل‌دوران، ۱۳۶۵: ۵۰ و ۶۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۸۳ و ۱۹۵)

به هر حال مطالعه متون تاریخی نشان می‌دهد که چندزنی در میان اعراب پیش از اسلام و ادیان گذشته امری مرسوم و پدیده‌ای رایج بوده است. در آیین یهود، تعدد زوجات نامحدود و وابسته به توانایی مرد بوده است، یعنی اگر مردی توانایی اختیار بیش از چهار زن را می‌داشت آیین یهود به وی اجازه می‌داد همسران متعدد و بیش از چهار زن اختیار کند. هر چند نصوص تلمود برای عامه مردم تنها چهار همسر را مجاز شمرده است.(محمود، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م، ج ۱: ۱۵۱-۱۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۸۳) در

انجیل‌های کنونی نیز در باره منع تعدد زوجات نصی دیده نمی‌شود و حتی تعبیر برخی نامه‌های پولس به جواز آن دلالت دارد. (باجوری، ۱۹۸۶م، ج: ۱؛ ۱۴۲ و ۱۴۴: عبود، ۱۹۷۹م، ج: ۱؛ ۱۴۴ و ۱۴۵؛ محمود، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م، ج: ۱؛ ۱۵۷-۱۵۱؛ رساله اول پولس رسول به تیموتاؤس، باب سوم، ش ۲ و ۱۲)

در جهان مسیحیت تعدد زوجات دست کم تا قرن هفدهم میلادی رسماً وجود داشت و پادشاهان بسیاری در اروپا همسران متعدد داشتند. بعدها نظام جدید کلیسا تعدد زوجات را ممنوع کرد. برای این تحریم انگیزه‌های مختلفی بیان شده که هیچ‌یک جنبه دینی ندارد. (باجوری، ۱۹۸۶م، ج: ۱؛ ۱۴۵-۱۴۴؛ وافی، ۱۹۶۰م، ج: ۱؛ ۵۶؛ کیسی، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م، ج: ۱؛ ۸۳-۸۲؛ عبود، ۱۹۷۹م، ج: ۱؛ ۱۴۵-۱۴۶) تعدد زوجات را از مطالعه تاریخ و تورات در سیره پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، حضرت یعقوب، حضرت موسی، حضرت داوود و حضرت سلیمان، نیز می‌توان فهمید. (سفر پیدایش، باب ۲۵، ش ۶-۱، باب ۳۲، ش ۲۲؛ سفر خروج، باب ۲؛ ۱۶ تا ۲۱ و سفر اعداد، باب ۱۲، ش ۱، کتاب اول تاریخ ایام، باب سوم؛ کتاب اول پادشاهان، باب ۱۱، ش ۸۳؛ باجوری، همان؛ ۱۴۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج: ۴؛ ۱۸۳) بنابراین تعدد زوجات در میان ملل و ادیان گذشته و پیامبران سلف امری رایج و متداول بوده است.

۲. مشکلات زنان در نقش همسری

اگرچه تک همسری طبیعی‌ترین فرم زناشویی است و در آن روح اختصاص حکمفرما است و هر یک از زن و شوهر احساسات و عواطف و منافع جنسی دیگری را از آن خود و مخصوص شخص خود می‌داند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۳۶۳) اما ضرورت‌ها و عللی موجب تعدد زوجات و چند زنی می‌شود. در ادامه این علل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) زود عقیم شدن نسبت به مردان

بر اساس شواهد و آمارهای غیر قابل انکار، بازه زمانی تولید مثل زن کمتر از مرد است. زن در سن و سالی از تولید مثل باز می‌ماند که مرد در آن دوره زندگی هنوز قدرت تولید مثل دارد. عقیم شدن زودرس زنان نسبت به مردان این سؤال را در پی دارد: تکلیف مردانی که بنا به هردلیلی بخواهند فرزند داشته باشند، چیست؟ اگر خالق مرد، طبیعت و خلقت وی را در تولید مثل بیش از زن قرار داده است، آیا چاره‌ای برای اعمال و استفاده این قدرت نیندیشیده است؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند راه حلی معقول برای تعدد منطقی زوجات باشد. (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۹: ۳۹۴ تا ۳۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج: ۴؛ ۱۸۹)

ب) عذرهای زنانه مانع زناشویی

بیماری‌های مقاربتی که احياناً برای برخی از زنان به وجود می‌آید، مرد را در مضیقه ارضای غریزه جنسی قرار می‌دهد. این عامل برای مردان که غریزه جنسی‌شان فعال است نه منفعل، پاسخ درخور و مناسب خود را می‌طلبد. سرکوب این غریزه به خصوص برای مردان می‌تواند عوارض جسمی و اجتماعی و اخلاقی نامطلوبی از خود برجای گذارد. مضافاً بر این عامل، زنان در طول زندگی زمان‌هایی از برقراری رابطه زناشویی معذورند. موانعی چون عادت ماهانه، حمل و دوران شیردهی که می‌تواند به عنوان دلیل موجه دیگری برای مردان در گزینش همسری دیگر مطرح شود. این مورد به خصوص برای مردانی که توانایی جنسی بالایی دارند ممکن است صورت یک ضرورت را به خود گیرد. (همان)

ج) افزایش زنان نسبت به مردان

بر اساس آمار و واقعیات موجود همواره تعداد زنان بیشتر از مردان بوده است. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ / ۱۹۶۶م، ج ۲: ۵۰۴) بر اساس آمارهای ارائه شده، در آلمان «شش میلیون»، در ایتالیا «دو میلیون»، در فرانسه «یک میلیون و هشتصد هزار» و در انگلستان «یک میلیون و پانصد هزار» زن بیشتر از مرد وجود داشته است. (روزنامه اطلاعات، ۴۳/۷/۲۹)

بر اساس گفته منتسکیو در «باتنام» شمار بانوان نسبت به مردها به قدری زیاد است که به هر مردی ده زن می‌رسد. (فخرالمحققین، دانشنامه شیخ الاسلامی: ۲۹۴ به نقل از: hawzah.net؛ ر.ک: مطهری، ۱۳۶۹: ۴۱۳) این امر یکی به علت پایین بودن سن بلوغ دختران نسبت به پسران است که در هر مقطع زمانی تعداد دختران آماده به ازدواج بیشتر از پسران است و علت دیگر این است که مردان بیشتر در معرض آسیب و حوادث زمانه مثل قتل ناشی از جنگ‌ها و حوادث دیگر است. جنگ‌های جهانی اول و دوم و کشته‌های میلیونی مردان از شواهد گویای این مدعا است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۸۳) که این مورد نیز تعدد زوجات را موجه و معقول می‌سازد. (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۹: ۳۹۴ تا ۳۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۸۹) مجموعه این عوامل موجب برهم خوردن تعادل میان مردان و زنان می‌شود.

راه حل مشکلات یاد شده

با توجه به معضلات مطرح شده، برای حفظ سلامت جامعه و افراد آن ناچاریم یکی از سه راه ذیل را انتخاب کنیم:

۱. مردان تنها به یک زن بسنده کنند و با هیچ زن دیگر چه به طور شرعی و قانونی و یا غیر آن، رابطه‌ای نداشته باشند؛

۲. مردان تنها یک همسر شرعی و قانونی داشته باشند و در عین زمان، با زنان دیگری نیز به طور غیر شرعی و غیر قانونی رابطه داشته باشند. به عبارتی یک زن قانونی و چند معشوقه داشته باشند؛

۳. به مردانی که توانایی اداره بیش از یک همسر از نظر مالی و اقتصادی و... دارند، اجازه داده شود با رعایت عدالت میان آنها چند همسر داشته باشند. از میان این سه راه، اسلام راه سوم را اختیار کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۵۶ تا ۲۶۰)

۳. علل مجاز نبودن چند شوهری و مجاز بودن چند زنی

یکی از سئوالات مهم در تعدد زوجات عدم جواز چند شوهری در اسلام است. به راستی، چرا یک مرد حق دارد تا چهار زن را به همسری بگیرد اما از آن سو یک زن در آن واحد نمی‌تواند بیش از یک شوهر داشته باشد؟! در پاسخ به این پرسش امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ عَلَيْهِ تَزْوِيجَ الرَّجُلِ أَرْبَعَ نِسْوَةٍ وَ تَحْرِمُ أَنْ تَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةُ أَكْثَرَ مِنْ وَاحِدٍ لِأَنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَزَوَّجَ أَرْبَعَ نِسْوَةٍ كَانَ الْوَلَدُ مَنْسُوبًا إِلَيْهِ وَ الْمَرْأَةُ لَوْ كَانَ لَهَا زَوْجَانِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفِ الْوَلَدُ لِمَنْ هُوَ إِذْ هُمُ الْمُشْتَرِكُونَ فِي نِكَاحِهَا وَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْأَنْسَابِ وَ الْمَوَارِيثِ وَ الْمَعَارِفِ.

... نوشتند: علت اینکه مرد می‌تواند چهار زن بگیرد، ولی زن نمی‌تواند بیش از یک شوهر داشته باشد، این است که مرد اگر چهار زن هم داشته باشد فرزندی که هر یک از آنها بیاورد فرزند او است، ولی زن اگر دو همسر و یا بیشتر داشته باشد فرزندی که به دنیا می‌آورد معلوم نمی‌شود از کدام شوهر است، زیرا همه شوهران در همخوابگی با او شرکت داشته‌اند و در نتیجه بدیهی است که در چنین وضعی هم روابط نسبی به هم می‌خورد و هم در مسئله ارث اشکال پدید می‌آید و معارف و شناسایی افراد نیز دچار اختلال و ابهام خواهد شد. (ابن بابویه، ۱۳۸۵/۱۹۶۶م، ج ۲: ۵۰۴)

در کنار بهم خوردن روابط نسبی و اشکال در ارث و تباهی معارف و شناسایی افراد، علل دیگری نظیر تک‌همسری بودن طبیعت زن و چند همسری بودن طبیعت مرد، از جمله علت‌های مجاز بودن چندزنی و مجاز نبودن چند شوهری دانسته شده است که علامه استاد شهید مطهری این موضوع را عقیده رایج روان‌شناسان و فیلسوفان اجتماعی غرب ذکر می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۹: ۳۳۸)

۳. چندهمسری در اسلام

الف) چندهمسری در آیات

در اسلام تعدد زوجات تجویز شده و مذاهب مختلف اسلامی بر آن مهر تأیید زده‌اند، اما سؤال اساسی این است که چه تفاوتی میان تعدد زوجات در اسلام و دیگر ادیان و ملت‌های گذشته وجود دارد؟ ابتدا باید تعدد زوجات را در آیات و روایات بررسی کنیم. بعد به این پرسش پاسخ دهیم. آیاتی در قرآن کریم به موضوع تعدد پرداخته که از جمله مهم‌ترین آنها آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء است. در آیه سوم سوره نساء آمده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»؛ و اگر می‌ترسید از اینکه (هنگام ازدواج با دختران یتیم) رعایت عدالت را درباره آنها نکنید (از ازدواج با آنان صرف نظر نمایید) و با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید؛ دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید تنها به یک همسر قناعت نمایید و یا از زنانی که مالک آنها هستید استفاده کنید. این کار بهتر از ظلم و ستم، جلوگیری می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۵۱)

شأن نزولی که برای آیه نقل شده این است که قبل از اسلام معمول بود بسیاری از مردم حجاز، دختران یتیم را به عنوان تکفل و سرپرستی به خانه خود می‌بردند و بعد با آنها ازدواج کرده و اموال آنها را هم تملک می‌کردند و چون همه کار دست آنها بود حتی مهریه آنها را کمتر از معمول قرار می‌دادند و هنگامی که کمترین ناراحتی از آنها پیدا می‌کردند به آسانی آنها را رها می‌ساختند و حاضر نبودند حتی به شکل یک همسر معمولی با آنها رفتار نمایند. آیه فوق نازل شد و به سرپرستان ایتم دستور داد در صورتی با دختران یتیم ازدواج کنند که عدالت را به طور کامل درباره آنها رعایت نمایند و در غیر این صورت از آنها چشم‌پوشی کرده و همسران خود را از زنان دیگر انتخاب نمایند. (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۹۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۱؛ ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۳۰۹؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۴۰)

خداوند در این آیه ازدواج با چهار زن را برای مردان مجاز دانسته است و با عبارت «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» با ظرافت خاصی عدالت را شرط این امر قرار داده است و با عبارت «خِفْتُمْ» حتی ترس از رعایت نشدن عدالت میان همسران را مانع داشتن همسران متعدد قرار داده است. اما نکته‌ای را که نباید از نظر دور داشت این است که داشتن چهار زن برای مرد واجب نیست و از امر «فَأَنْكِحُوا» وجوب فهمیده نمی‌شود. (الأردبیلی، بی‌تا: ۵۰۹) چرا که مراد از آیه، بازداشتن از عقدی است که با آن،

ترس برقرار نشدن عدالت میان زوجات برود. «قام الدلیل علی أن التزویج لیس بواجب علی أن الغرض بهذه الآیة النهی عن العقد علی من یخاف أن لا یعدل بینهن» (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۱۰۰)

آیه دیگر آیه ۱۲۹ سوره نساء است: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً»؛ و هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت کنید، هر چند کوشش نمایید، ولی به کلی تمایل خود را متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت بلا تکلیف در آورید و اگر راه اصلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

در این آیه با عبارت «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ» در ضمن اینکه چند زنی را مجاز می‌شمارد، از قادر نبودن مرد در رعایت عدالت میان همسران خود خبر می‌دهد. ظاهراً از کنار هم قرار دادن آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، تک‌همسری برای مردان استنباط می‌شود، اما باید دانست که مقصود از «عدالت» در آیه سوم، اعتدال در امور زندگی مادی است، زیرا ماقبل آیه راجع به بحث در اموال و ثروت ایتم است. (وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ... وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ...) گذشته از این، تمام مفسران از آیه نخست، همان عدالت در نفقه و هزینه زندگی را فهمیده‌اند، اما مراد از آیه ۱۲۹ که خبر از ناتوانی مردان در رعایت عدالت میان همسران داده است، عدالت در امور زناشویی و مودت و محبت و عواطف و مسائل جنسی و... فهمیده شده است. گواه آن همان ذیل آن است که می‌فرماید: «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ» نسبت به یکی عملاً بیشتر تمایل نکنید تا دیگری را سرگردان و آواره بگذارید. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۵۵؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۲۱۳-۲۱۲؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۲۷۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۴۰۷) رفع تضاد ظاهری میان آیه سوم و آیه ۱۲۹ سوره نساء به نحوی که ذکر شد از روایتی که امام صادق علیه السلام به هشام تعلیم فرموده‌اند، نیز روشن شده است. امام فرمودند: آیه نخستین راجع به نفقه است و آیه دیگر راجع به عواطف و مودت می‌باشد و عدالتی که شرط تعدد همسر است، همان میانه‌روی و عدالت در نفقه است و عدالتی که از اختیار بیرون است همان محبت و عاطفه باطنی به زنان است که اعتدال و یا تساوی آن تا حدی از اختیار انسان بیرون می‌باشد. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۵۵)

ب) چندهمسری در روایات و سیره پیشوایان علیهم السلام

در منابع روایی اهل سنت و تشیع نیز تعدد زوجات مطرح و بر جواز آن تأکید شده است. به عنوان نمونه برخی از آنها را ذکر می‌کنیم.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عِيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ الرَّضَا عليه السلام فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ. قَالَ: وَ لَا يَجُوزُ الْجَمْعُ بَيْنَ أَكْثَرِ مِنْ أَرْبَعِ حَرَائِرَ. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۵۱۸) در روایتی که محمد بن علی بن الحسین در عیون اخبار الرضا عليه السلام با اسناد خودش از فضل بن شاذان از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند، آمده است: امام رضا عليه السلام در نامه خودش به مأمون نوشت جمع بیش از چهار زن آزاد جایز نیست، یعنی داشتن چهار زن در یک زمان جایز نمی‌باشد.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا جَمَعَ الرَّجُلُ أَرْبَعًا وَ طَلَّقَ إِحْدَاهُنَّ فَلَا يَتَزَوَّجُ الْخَامِسَةَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّةَ الْمَرْأَةِ الَّتِي طَلَّقَ... (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۵۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰: ۱۹۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۹۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۲۰) همچنین محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از جمیل از زراره بن اعین و محمد بن مسلم از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند زمانی که مردی همزمان چهار زن داشته باشد و یکی از آنها را طلاق بدهد تا زمانی که آن زن مطلقه در عده می‌باشد، مرد حق ندارد زن پنجم بگیرد....

از این روایت استفاده می‌شود حتی زن مطلقه در عده به نحوی زوجه و هم سر شرعی به شمار می‌رود به گونه‌ای که با وجود وی، اختیار همسری دیگر، نکاح پنجم محسوب شده و ممنوع و باطل است. در روایات دیگر از داشتن هم‌زمان بیش از چهار زن منع شده است. از جمله در تحف العقول داریم: «وَلَا تَجْمَعُ بَيْنَ أَكْثَرِ مِنْ أَرْبَعِ حَرَائِرَ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳: ۴۲۰) این روایت نیز با صراحت، جمع بیش از چهار زن آزاد را منتفی و باطل بر می‌شمارد.

در این خصوص در منابع اهل سنت و تشیع روایات مشترک وجود دارد. مثلاً تحت عنوان «حکم کسی که با بیش از چهار زن ازدواج کند» از قول نبی گرامی اسلام، آمده است: «اختر منهن أربعاً و فارق سائرهن»؛ از زنان متعدد، چهار زن را اختیار کن و مازاد بر چهار را رها کن. به این صورت هم نقل شده است: «أم سك أربعاً و فارق سائرهن». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۲۹۴؛ حلی، بی‌تا، ج ۲: ۶۳۸؛ جواهری، ۱۳۶۶، ج ۳۰: ۶۴؛ الشافعی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م، ج ۴: ۳۸۱؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۷: ۴۳۶؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۷: ۱۸۲؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م، ج ۹: ۴۶۶؛ رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۸۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱۹؛ متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م، ج ۱۶: ۳۲۹ و ۳۳۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۵۱۸)

در بیشتر احادیث وارده در این خصوص، جزئیات احکام مربوط به چندهمسری بیان شده و گاه به حکمت تجویز تعدد زوجات هم اشاره شده است. روایات وارده در این

خصوص در تأیید آیات قرآنی و مبین آن است. همچنین تعدد زوجات در سیره برخی امامان [و صحابه نیز گزارش شده است. (ابو شقه، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م، ج ۵: ۲۹۵ و ۲۹۶ به نقل از: wikifeqh.ir)

همان گونه که اشاره کردیم، پیامبر، هم به تازه مسلمانانی که بیش از چهار زن داشتند دستور می‌دادند که زاید بر چهار همسر را رها کنند. (بیهقی، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م، ج ۷: ۱۴۹؛ زحیلی، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م، ج ۷: ۱۶۶؛ نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۳۰: ۲)

ج) چندهمسری در آرای فقها و مفسران اسلامی

فقها و مفسران اسلامی نیز براساس آیات و روایات وارده در این خصوص به مجاز بودن حداکثر چهار زن قائل‌اند و فتوا داده‌اند. (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۳۱۲؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۴۱؛ کیهراسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۳۱۹؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۹۹) و حتی موضوع تعدد را از ضروریات فقه خوانده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

مرحوم مغنیه در این خصوص می‌نویسد: «اتفقوا علی ان للرجل ان یجمع بین أربع نساء، و لا تجوز له الخامسة». فقها بر اینکه مرد می‌تواند چهار زن داشته باشد، اتفاق دارند و زن پنجم بر وی جایز نیست. (مغنیة، ۱۴۲۷ق/۱۳۸۵، ج ۲: ۳۱۲)

مرحوم نجفی در جواهر می‌فرماید: «إذا استكمل الحر أربعاً بالعقد الدائم حرّم علیه مع وجود الأربع عنده نکاح ما زاد غیطةً أی دواماً إجماعاً من المسلمین بل ضرورةً من الدین». زمانی که مرد آزاد چهار زن را به عقد دائم خود درآورد، نکاح مازاد بر چهار زن در صورتی که دائمی باشد به اجماع مسلمین بلکه به ضرورت دین بر وی حرام است. (نجفی، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۱م، ج ۳۰: ۲)

ابومنصور ماتریدی در «تأویلات أهل السنة» یا «تفسیر الماتریدی» در این خصوص می‌نویسد:

ثم من الناس من یبیح نکاح التسع بقوله تعالى: «مثنی و ثلاث و رباع فذلک تسع». و أما عندنا: فإنه لا یحتمل ذلک؛ لأن معنی قوله تعالى: «مثنی و ثلاث و رباع»، مثنی أو ثلاث أو رباع؛ لأنه قال: «مثنی و ثلاث و رباع فإن خفتم ألا تعدلوا فواحدة». استثنی الواحدة إذا خاف ألا يعدل بینهن، فلو كان ما ذکر لکان لامعنی لاستثناء واحدة منهن و لكن یقول: «و إن خفتم ألا تعدلوا» بین التسع، فثمان، أو سبع، أو ست؛ فلما لم یستثن إلا واحدة دل أن التأویل ما ذکرنا مثنی أو ثلاث أو رباع، علی الانفرد... و روی أن رجلاً أسلم و تحته ثمانی نسوة، فأسلمن، فقال له رسول الله: «اختر منهن أربعاً و فارق البواقی» و الخبر فی بیان منتهی ما یحل من العدد دون وجه الحل. فاحتمل أن یختار أربعاً علی استقبال النکاح. (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۰-۸)

بعضی از مردمان حداکثر نکاح مجاز را نه زن دانسته‌اند و به همین آیه و فقرات مَثْنی و ثَلَاث و رُبَاع استدلال کرده‌اند که ۹ می‌شود (۲+۳+۴=۹) اما نزد ما چنین احتمالی مردود است زیرا قول خداوند از: مَثْنی و ثَلَاث و رُبَاع، به معنای دو یا سه یا چهار می‌باشد... یکی را به خاطر خوف از رعایت نکردن عدالت استثناء نموده است. روایت شده که مردی مسلمان شد در حالی که هشت زن داشت و سپس همه آن زنان اسلام آوردند. پس رسول خدا، فرمودند: چهار زن را نگهدار و مابقی را رها کن. این خبر و روایت در بیان وجه حلیت نیست، بلکه آخرین عدد حلیت نکاح را می‌فهماند. با توجه به منابع و مستندات ارائه شده از آیات قرآنی و روایات، تعدد زوجات قابل استنباط است. منتهی اسلام تعددی را که در زمان‌های گذشته و در میان ملل و ادیان پیشین بی‌حد و حصر بود، منحصر در چهار زن نمود و شرایطی را نیز به نفع زنان و مصلحت مردان و خانواده وضع کرد. در حقیقت، اسلام دو کار اساسی در این قسمت انجام داد: ۱. تعدد بی‌حد و حصر را به چهار زن کاهش داد؛ ۲. شرایطی را برای مردانی که بیش از یک همسر اختیار می‌کنند به نفع زنان وضع کرد و بدین وسیله گامی اساسی در احیاء و استیفای حقوق آنان و تثبیت خانواده و کرامت آن برداشت.

۴. اشکالات وارده بر تعدد زوجات

بر تعدد زوجات اشکالاتی شده است که به آنها اشاره می‌شود:

الف) جریحه‌دار شدن عواطف زنان

اشکال اول اینکه چندهم‌سری، موجب جریحه‌دار شدن عواطف زنان شده و عشق و علاقه آنها را به شوهر و خانه و خانواده به حس انتقام تبدیل نموده و چه بسا سبب انحرافات جنسی زنان و خیانت‌های دیگر در حق شوهران خود شوند. همچنین باعث دل‌سردی در امر خانه‌داری و تربیت فرزندان شده و از این رهگذر سبب انحطاط جامعه خواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۸۴)

در جواب باید گفت:

اسلام، پایه و زیربنای زندگی انسان را بر عقل و فکر استوار نموده، نه عواطف و احساسات. بنابراین هدف اسلام در سنت‌های اجتماعی رسیدن به صلاح عقلی است نه مصلحت‌های عاطفی و احساسی... و اسلام زنان را به گونه‌ای بار می‌آورد که هرگز از اعمالی نظیر تعدد زوجات ناراحت نگشته و عواطفشان جریحه‌دار نشود، زیرا خود را تسلیم امر و فرمان الهی دانسته و دستورات خداوند از جمله تعدد زوجات را دارای مصلحتی می‌داند که صلاح انسان و نوع زنان در آن است... در خصوص بی‌ربطی در اداره خانه و تربیت اولاد و خیانت زنان در حق شوهران خود نیز باید گفت که تجربه خلاف آن را اثبات کرده است. علاوه بر اینکه زنانی

که بر سر زنان اول شوهر می‌کنند، در جامعه اسلامی و دیگر جوامعی که این عمل را جایز می‌دانند با رضا و رغبت خود زن دوم یا سوم یا چهارم شوهر می‌شوند و همین دلیل روشن است بر اینکه طبیعت جنس زن امتناعی از تعدد زوجات ندارد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۸۴)

ب) برابری تعداد زن و مرد در طول تاریخ

اشکال دوم این است که بر اساس آمارهای موجود در قرون متمادی از امت‌ها همواره عدد مرد و زن برابر بوده و یا مختصر اختلافی داشته است. معنای این آمار این است که طبیعت برای یک مرد یک زن تهیه کرده، بنابراین اگر ما خلاف این را تجویز کنیم، به خلاف وضع طبیعت رفتار کرده‌ایم. (همان)

جواب این اشکال چند وجه دارد؛ اولاً ازدواج و موضوع تعدد، تنها به آمار وابسته و متکی نیست، بلکه عوامل دیگری نیز ذی‌دخل است که از جمله آنها زود بالغ شدن جنس زن نسبت به مرد است. مثلاً پسر در سن ۱۶ سالگی بالغ می‌شود در حالی که همه دختران در این سن و سال و قبل از آن (از ۹ سال به بالا) بالغ هستند و این موضوع یعنی افزایش قابل توجه دخترانی که آمادگی ازدواج دارند بر پسران آماده ازدواج، که این نسبت را طبیعت پسر و دختر برقرار کرده است. همچنین بر اساس آمار موجود، عمر زنان از مردان بیشتر بوده و همیشه پیرزنان بی‌شوهر بیشتر از پیرمردان بی‌زن بوده‌اند. مؤید این ادعا روزنامه اطلاعات تهران مورخه سه‌شنبه یازدهم دی ماه ۱۳۳۵ شمسی است که از سازمان آمار فرانسه مطالب ذیل را نقل کرده است: بر حسب آمارگیری این نتیجه به دست آمده است که در فرانسه در برابر هر صد نفر مولود دختر صد و پنج پسر متولد می‌شود و با این حال روز به روز آمار زنان از مردان بیشتر می‌شود و از چهل میلیون نفوس فرانسه که باید بیش از بیست میلیون مرد باشد، عدد زنان ۱۷۶۵۰۰۰ (یک میلیون و هفتصد و شصت و پنج هزار نفر) از مردان بیشتر است و علت این امر این است که پسران و مردان مقاوم‌تر در برابر بیماری‌ها کمتر از دختران و زنان است... و یکی از نتایج این آمار این است که در سن ۶۵-۶۰ سالگی در برابر ۱۵۰۰۰۰ (یک میلیون و پانصد هزار) زن بیش از ۷۵۰۰۰۰ (هفتصد و پنجاه هزار) نفر مرد باقی نمی‌ماند؛ یعنی به ازای هر مرد دو زن.

ثانیاً عمر دستگاه تناسلی مرد بیشتر از دستگاه تناسلی زن است، زیرا اغلب زنان در سن پنجاه سالگی یائسه می‌شوند، در حالی که دستگاه تناسلی مرد سال‌ها بعد از پنجاه سالگی قادر به تولید نسل می‌باشد. بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که طبیعت و دستگاه آفرینش به مردان اجازه داده تا از ازدواج با یک زن فراتر رود و بیش از یک همسر داشته باشد، زیرا معقول نیست که طبیعت، نیروی تولید را به مردان بدهد و در

عین حال آنان را از تولید منع کند، زیرا سنت جاری در علل و اسباب این معنا را نمی‌پذیرد.

ثالثاً عواملی چون جنگ‌ها و نزاع‌ها و جنایات، مردان را بیشتر از زنان تهدید می‌کند. بنا بر این زنانی که شوهر از دست می‌دهند، چاره‌ای جز این ندارند که یا تعدد زوجات را بپذیرند و یا تن به زنا و یا محرومیت دهند، چون با مرگ شوهران غریزه جنسی آنان نمی‌میرد و از بین نمی‌رود. شاهد این مدعا جریانی است که در آلمان اتفاق افتاد و طی آن جمعیت زنان بی‌شوهر نگرانی خود را از نداشتن شوهر طی شکایتی به دولت اظهار نموده و تقاضا کردند که برای علاج این درد مسئله تعدد زوجات در اسلام را قانونی ساخته، به مردان آلمانی اجازه دهد تا هر تعداد که خواستند زن بگیرند، اما حکومت به درخواست کلیسا خواسته آن زنان را بر آورده نکرد. کلیسا به زنا و فساد راضی شد، اما راضی نشد تعدد زوجات اسلام در آلمان رسمیت پیدا کند.

رابعاً تعدد زوجات (که البته از چهار زن فراتر نمی‌رود) برای همه مردان به مرحله اجرا و عمل در نمی‌آید و کمتر مردی پیدا می‌شود که بتواند بیش از یک زن داشته باشد. اسلام نیز که همه دستوراتش مطابق با فطرت و طبیعت است چهار زن داشتن را بر همه مردان واجب نکرده، بلکه تنها برای کسانی که توانایی دارند، جایز دانسته (نه واجب) آن هم در صورتی که بتوانند بین دو زن و بیشتر به عدالت رفتار کنند. در عمل نیز شاهدیم که تعدد زوجات در اسلام نه تنها مستلزم حرج و قحطی و نایابی زن نیست بلکه به عکس، ممنوعیت تعدد زوجات در اقوامی که آن را تحریم کرده‌اند، باعث شده هزاران زن از شوهر و اجتماع خانوادگی محروم باشند و به فساد و فحشا کشیده شوند. خامساً حکم تعدد زوجات در صورتی اشکال یاد شده را خواهد داشت که اصلاح نشده می‌بود، در صورتی که اسلام آن را اصلاح کرده و بر مردانی که می‌خواهند زنان متعدد داشته باشند، شرط کرده که در معاشرت با آنان رعایت عدالت را بکنند و نیز واجب کرده که نفقه آنان و اولادشان را بدهند.

در منابع اهل سنت و تشیع عذاب‌های سختی برای عدم مراعات عدالت میان همسران ذکر شده است. به عنوان نمونه از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: «مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَتَانِ فَلَمْ يَعْدِلْ بَيْنَهُمَا الْقِسْمَةَ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبًا مَائِلًا شَفْتَهُ حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ»؛ کسی که دو همسر (دائمی) داشته باشد، ولی در میان آنها در مورد تقسیم وقت و مصارف مالی به عدالت رفتار نکند، در روز رستاخیز در حالی که به غل و زنجیر کشیده شده و دهانش کج گشته محسور گردد تا اینکه داخل دوزخ شود. (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۸۳)

همچنین از آن حضرت نقل شده که فرمودند: «من کانت له امرأتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة و شقه مائل». (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۴۰۷) و در برخی احادیث به جای «و شقه مائل» عبارت «أَحَدُ شَقِيهِ سَاقِطٌ» آمده است. یعنی کسی که دو همسر داشته باشد و در میان آنها در مورد تقسیم وقت و مصارف مالی به عدالت رفتار نکند، روز قیامت در حالی که یکی از لبانش افتاده است محشور می‌شود. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۱۰۹؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۲۷۱؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۲: ۳۴۷؛ القزوی، بی تا، ج ۱: ۶۳۳ ح ۱۹۶۹؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۲۷۲؛ مظفر نجفی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۱۵۴) البته قبل از مراعات عدالت میان همسران، اصل تأمین نفقه و معاش بر مرد واجب است. مردی که زوجات متعدد اختیار می‌کند ابتدا باید به فکر نفقه و معاش همسران خود باشد، زیرا با پیمان مقدس زناشویی زن بر شوهر حق نفقه و تأمین معاش پیدا می‌کند که مرد باید در حد مصالح و شؤون خانوادگی نفقه، لباس و مسکن همسر دائمی خود را تأمین نماید. رعایت این امور وظیفه‌ای واجب برای مرد و یک حق برای زن محسوب می‌شود. همچنین توانایی جنسی مرد از موارد مهم و درخور تأمل در زندگی زناشویی است از امام صادق علیه السلام در این خصوص نقل شده که فرمودند: «مَنْ جَمَعَ مِنَ النِّسَاءِ مَا لَا يَنْكِحُ فَزَنَى مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَأَلَّائِمٌ عَلَيْهِ»؛ هر که آن قدر زن بگیرد که نتواند با آنها نزدیکی کند و در نتیجه آن، یکی از همسرانش مرتکب زنا شود، گناه این کار برگردن او است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۶۶) بنابراین از شرایط تعدد، وجود امکانات مالی و مادی و تأمین زوجات و رعایت عدالت میان آنها و توانایی جنسی مرد است و روشن است که رعایت عدالت در انفاق و پرداخت هزینه زندگی چهار زن و اولاد آنها و نیز رعایت مساوات در معاشرت با آنان جز برای بعضی از مردان فهمیده و ثروتمند فراهم نمی‌شود.

سادساً راه‌های دینی و مشروعی برای زن وجود دارد که می‌تواند شوهر خود را ملزم سازد که زن دیگری نگیرد و تنها به او اکتفا کند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۸۶)

ج) تعدد زوجات، اسباب شهوترانی مردان

اشکال سوم این است که تجویز تعدد زوجات، مردان را در وادی شهوترانی فرو می‌برد و بذر بوالهوسی و شهوترانی را در جامعه پاشیده و ترویج می‌کند. در جواب باید بگوییم:

اگر قانون تعدد زوجات نباشد و مردان محکوم به تک همسری باشند، در ایامی که زن عذری نظیر ایام عادت ماهانه، وضع حمل و امثال آن دارد تکلیف مرد چیست؟ از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین مقاصد و هدف‌ها در نظر شارع اسلام، زیاد شدن نسل مسلمانان و آباد شدن زمین به دست آنان است که این هدف با

تعدد زوجات قابل وصول است. همچنین قانون تعدد، از باب (الانسان حریص بما منع) حرص و عطش مردان را فرو می‌نشانند و موجب می‌شود که مردان در مجاز بودن همسری دیگر در صورت وجود مشکلات با همسر اول نگرانی نداشته باشند و باز بودن راه ازدواج دوم موجب فرونشاندن عطش و حرص و عطش آنان خواهد شد. این جهات و امثال آن مورد اهتمام شارع بوده و باعث شده است که شارع اسلام حکم جواز تعدد زوجات را تشریح کند، نه ترویج امر شهوت‌رانی و ترغیب مردم به اینکه در شهوات غرق شوند. بعضی از غربی‌های با اوصاف از جمله مستر جان دیون پورت انگلیسی در این خصوص گفته‌اند: در اشاعه زنا و فحشا بین ملت‌های مسیحی مذهب، هیچ عاملی نیرومندتر از تحریم تعدد زوجات به وسیله کلیسا نبوده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۸۹)

د) تعدد زوجات موجب تنزل منزلت زن

اشکال چهارم این است که قانون تعدد زوجات، موقعیت و منزلت اجتماعی زنان را در جامعه پایین می‌آورد و در حقیقت، ارزش چهار زن را معادل با ارزش یک مرد می‌کند و این خود، یک ارزیابی جائزانه و ظالمانه است؛ حتی با مذاق خود اسلام سازگار نیست، چرا که اسلام در قانون ارث و در مسئله شهادت، یک مرد را برابر دو زن قرار داده است. با این حساب باید ازدواج یک مرد را با دو زن تجویز کند، نه بیشتر، پس تجویز ازدواج با چهار زن به هر حال از عدالت عدول کردن است، آن هم بدون دلیل... (همان: ۱۹۱)

در جواب این اشکال باید بگوییم زنان در هیچ سنتی از سنت‌های دینی و یا دنیوی، نه در قدیم و نه در جدید همانند اسلام مورد احترام و تکریم قرار نگرفته‌اند. جواز تعدد زوجات برای مرد توهین به زن و از بین بردن موقعیت اجتماعی و حقوق او نیست، بلکه در حقیقت به خاطر مصالحی است که بیشتر عاید حال زنان می‌شود. به قول یکی از دانشمندان منصف غربی: اسلام در امر زناشویی زیاده از حد، حقوق زنان را رعایت کرده و همه گونه تکلیفی را به مردها تحمیل نموده است. تعدد زوجات، قطع نظر از لزوم و منافعش، مربوط به زمانی است که اسلام تعدد زوجات بی‌حد و حصر عرب را به چهار زن محدود ساخت و امکان آن را به شرط عدالت موکول ساخت. (لوبون، ۱۳۶۴: ۵۰۹)

بنابراین به جرئت می‌توان گفت که در وضع قانون تعدد زوجات، حقوق زن نه تنها مد نظر بوده بلکه بیشتر از مردان مورد توجه قرار گرفته است. (مطهری، ۱۳۶۹: ۳۸۶) به راستی اگر تعدد، مشروع و قانونی نباشد، تکلیف زنان و دخترانی که بنا به هردلیلی شوهران خود را از دست داده یا نیاز به شوهر دارند و مرد مجردی در قبال آنها وجود ندارد، چیست؟ آیا شایسته است که با منع تعدد زوجات، زنان و دختران بسیاری در حسرت شوهردار شدن یا فرزند داشتن، سال‌ها بسوزند و ناکام سر به تیره تراب نهند؟ آیا شایسته است زنان و دختران بسیاری بر اثر اجبار و فشار غریزه جنسی، نقد عفت

خویش را به بدنامی و ثمنِ بخش‌بازند و عمری را با سرشکستگی و عصیان وجدان در تنهایی بگذرانند؟ آیا راه چاره و علاج این معضل چیزی جز وضع قانون تعدد زوجات است؟ حتی برای پشتیبانی از تک‌هم‌سری هم که شده باید تعدد را مجاز و مشروع ساخت، زیرا در صورت ازدیاد عدد زنان نیازمند به ازدواج، اگر حق تأهل این عده به رسمیت شناخته نشود و به مردان واجد شرایط اخلاقی، مالی و جسمی، اجازه چند همسری داده نشود، دوست‌بازی و معشوقه‌گیری، ریشه تک‌همسری را می‌خشکاند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۲۲)

علاوه بر این‌ها این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اسلام اولاً به طور کلی تعدد زوجات را واجب نکرده و ثانیاً بر همه مردان واجب و لازم ننموده، بلکه به طبیعت و حال افراد توجه فرموده و همچنین عوارضی را که ممکن است احياناً برای افرادی روی دهد در نظر گرفته و به بیانی که گذشت، صلاحیت قطعی را شرط نموده و مفسد و محذورهایی را که در تعدد زوجات وجود دارد، بر شمرده و در چنین موقعیتی است که آن را جایز دانسته تا مصالح جامعه تامین شود. و حکم «جواز» را به صورتی مقید کرده است که هیچ یک از مفسدات شنیع نامبرده پیش نیاید و آن در صورتی است که مرد از خود اطمینان داشته باشد به اینکه می‌تواند بین چند همسر به عدالت رفتار کند. (طباطبایی، همان: ۱۹۲)

امروزه نیز در بسیاری از نقاط جهان تعدد زوجات به صورت یک قانون و قاعده وجود دارد (تعدد زوجات: fa.wikishia.net) مورخ مشهور فرانسوی گوستا لوبون این گونه از تعدد زوجات در اسلام دفاع کرده و وضعیت موجود غرب را زیر سؤال می‌برد:

این مسخره است که به قانون تعدد زوجات بشود انتقاد کرد... ما مردم اروپا، آمریکا و غربی‌ها عملاً قائل به تعدد زوجات هستیم... آیا این کار سالو سانه و زناهای نامشروع ما غربی‌ها و اروپایی‌ها از عمل رسمی و قانونی مسلمان‌ها که با راحتی ضمیر و وجدان، تعدد زوجات را قانونی شمرده و در صورت نیاز با زنی دیگر رابطه هم‌سری مشروع برقرار می‌سازند، بدتر نیست؟! خواهش می‌کنیم سعی کنید در جواب از وجدان خود کمک بگیرید. آیا کار ما که سراسر خیانت و فساد و موجب تکثیر فحشا و تزلزل ارکان اجتماع است، شایسته منع و تقبیح است یا دستور شرع مقدس اسلام؟! (hawzah.net) به نقل از حقوق زنان در اسلام و جهان: ۱۸۰ / تاریخ تمدن اسلام و غرب، ج ۴: ۵۰۹)

به راستی اگر قانون تعدد زوجات در اسلام به درستی و با تمام لوازم و شرایط آن معرفی و اجرا شود موجب تحسین وجدان‌های بیدار و واقع‌بینان منصف خواهد شد. کما اینکه هیوم، متفکر برجسته غرب را به تحسین واداشته است. وی می‌گوید:

«...برخی از محققان معقول نشان می‌دهند که [حضرت] محمد [ﷺ] روی هم رفته موقعیت زنان را ارتقا بخشید و به آنها مرتبه‌ای از آزادی اقتصادی داد که هنوز در پاره‌ای از کشورهای غربی و یا به اصطلاح مسیحی تا آن حد به زنان، آزادی اقتصادی داده نشده است و برای چند همسری نامحدود - که تا آن زمان به دلخواه انجام می‌شد - حد و مرزی مقرر داشت که بسیار لازم و نافع بود. رسم دخترکشی را - که در عربستان آن روز کاملاً رواج داشت - به کلی برانداخت و بالاخره اینکه حکم تعدد زوجات را تنها در صورتی مجاز دانست که شوهر، بتواند با تمامی همسران خود با عدالت کامل رفتار کند؛ او عملاً تک‌همسری را رواج داد.» (هیوم، ۱۳۷۷: ۳۰۶)

۵. شرایط تعدد زوجات در اسلام

گفتیم اسلام تعدد بی‌حد و حصر زوجات را که در گذشته و در میان ملل مختلف مرسوم بود، به چهار زن تقلیل داد. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۲۹۶-۲۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۸۳) و شرایطی را برای آن وضع کرد. (طباطبایی، همان) این شرایط، راه حل چندبعدی است که هم مشکل مردان را در زمان عذر همسرشان از تماس جنسی و فرزندآوری و... حل می‌کند و هم مشکل زنان بیوه و بی‌سرپرستی را که مردان مجردی در قبال آنها یا وجود نداشته و یا رغبتی به ازدواج با آنها ندارند برطرف می‌کند و هم راه‌حلی برای افزایش چشمگیر دختران آماده به ازدواج نسبت به پسران بالغ می‌باشد و از طرفی از ظلم و ستم به زنان نیز جلوگیری می‌نماید. از این جهت، شرایطی را برای تعدد زوجات وضع کرد تا از بوالهوسی و شهوت‌رانی مردان جلوگیری شده و هر مرد بوالهوسی نتواند از قانون تعدد زوجات سوء استفاده نماید.

رعایت عدالت از جمله شرایط اسلام برای این موضوع است. قرآن صراحتاً به این موضوع پرداخته و حتی در صورت خوف و ترس از مراعات نشدن عدالت، به تک‌همسری توصیه می‌کند: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدْهُ»؛ و اگر می‌ترسید عدالت را درباره همسران متعدد رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید. (نساء: ۳) این نکته هم قابل ذکر است که دو نوع عدالت قابل تصور است؛ یکی عدالت در محبت و تقسیم مهر و عاطفه بین همسران که این قسم عدالت از اختیار انسان خارج بوده و طبعاً به آن تکلیف هم نشده است و قرآن با عبارت «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ؛ شما هر قدر کوشش کنید نمی‌توانید در میان همسران خود (از نظر تمایلات قلبی) عدالت و مساوات برقرار سازید.» (نساء: ۱۲۹) به این موضوع اشاره می‌کند و خبر از ناتوانی انسان در برپایی این نوع عدالت داده است و البته مادامی که موجب ترجیح بعضی از همسران بر بعضی دیگر از جنبه‌های عملی نشود ممنوع نیست. آنچه مرد موظف به آن است رعایت عدالت در جنبه‌های عملی و خارجی است. (مکارم شیرازی،

۱۳۷۴، ج ۳: ۲۵۵؛ الجزیری الغروی، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م: ۳۱۳-۳۰۱؛ ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۵۰۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۴۰۷) قسم دیگر عدالت توزیع و تقسیم عادلانه امکانات زندگی میان همسران است و همچنین «قسم» (با فتح قاف و سکون سین) می‌باشد که مراد از آن، تقسیم عادلانه بیتوته میان همسران و بستر زناشویی است؛ «فهو العدل بین الزوجات فی البیتوته». (الجزیری الغروی، همان؛ الأردبیلی، بی‌تا: ۵۳۷)

نتیجه

پدیده تعدد بی‌حد و حصر زوجات، سوغات و ره‌آورد اسلام نیست بلکه در تاریخ بشر پیشینه‌ای طولانی و سابقه‌ای دیرین داشته است. قبل از اسلام و در میان ملل و اقوام مختلف، تعدد زوجات امری معمول و رایج و شایع بوده است. به شواهد تاریخ، پیش از طلوع خورشید تابناک اسلام، کام‌گیری از زنان متعدد و بی‌حد و حصر به صورت هنجاری همه‌جایی و فراگیر درآمده بود. اگرچه زنان در طول تاریخ مورد ظلم و ستم بی‌شمار و فراوان قرار گرفته‌اند اما انصافاً یکی از موارد ظلم و ستم بر آنان پیامدهای ناشی از تعدد بی‌حد و حصر و بی‌قانون زوجات بوده که به مردان اجازه می‌داده تا در قبال کام‌گیریهایی نامحدود خود مسئولیتی متوجه آنان نباشد. با توجه به عواملی که یکی از مهم‌ترین آنها، فزونی تعداد زنان نسبت به مردان است، مسئله تعدد زوجات امری ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و اعتقاد بر این است که تعدی و تجاوز به حقوق زنان در قسمت تعدد زوجات در طول تاریخ از ناحیه پدیده تعدد صرف نبوده، بلکه از ناحیه رعایت نشدن حقوق و عدم تدوین و اجرای قوانین حمایتی از زنان بوده است. البته صرفاً تعدد بی‌حد و حصر می‌تواند منجر به پایمال شدن بخش‌هایی از حقوق زنان شود، اما عامل اصلی، نبود قوانین و محدودیت‌های حمایتی از آنان است. اسلام با دو راهکار، تعدد زوجات را منطقی نمود و با وضع محدودیت‌ها و شرایطی آن را به نفع و مصلحت زنان و مردان و حمایت از نسل و فرزندآوری بشر تغییر داد.

اولاً تعدد نامحدود را به داشتن چهار همسر، محدود ساخت و ثانیاً شرایط و قوانین و مقرراتی را برای جلوگیری از تعدی و ستم در حق زنان وضع کرد. قوانین و مقرراتی که هم از حقوق زنان پشتیبانی می‌کند، هم پاسخی منطقی به غریزه زیاده‌خواهانه مردان است و هم در خدمت نسل بشر و فرزندآوری وی می‌باشد.

این قوانین، مردان را ملزم می‌سازد که اولاً حد اکثر به چهار همسر قناعت کنند و ثانیاً به مسئولیت‌های خود در قبال آنان متعهد و پایبند باشند. از جمله این تعهدات، پرداخت نفقه و هزینه زندگی و رعایت عدالت در بستر زناشویی و توانایی در آن می‌باشد. با این اوصاف، در تعدیل این چینی تعدد زوجات توسط اسلام، انصافاً بیش از

آنکه حقوق مردان در نظر گرفته شود، حقوق زنان مدنظر قرار گرفته است. می‌توان گفت اسلام از مایه غریزه جنسی مردان که به صورت فعال و نه منفعل در وجود آنها به ودیعت نهاده شده و همچنین تنوع‌طلبی آنها، به نفع زنان و احیای حقوق آنها و ایجاد چتر حمایتی برای آنان و فرزندآوری و افزایش نوع بشر استفاده کرده است.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
کتاب مقدس
- ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، ج ۱، قم: دارسیدالشهداء علیه السلام للنشر.
- امامی، مسعود (۱۳۹۲)، «رعایت عدالت در تعدد زوجات»، منتشر شده در آدرس: <http://jf.isca.ac.ir>
- باجوری، جمال محمد فقی رسول (۱۹۸۶م)، *المرأة فی الفکر الاسلامی*، عراق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، جلد ۵، ج ۱، قم: مؤسسة البعثة.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م)، *السنن الکبری*، بیروت: یوسف عبدالرحمان مرعشلی.
- الجزیری الغروی، مازح (۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م)، *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام*، ج ۱، بیروت: دارالتقین، بیروت.
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (hawzah.net).
- تعدد زوجات (ویکی فقه wikifeqh.ir).
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *احکام القرآن*، جلد ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق/۱۳۶۳)، *تحف العقول*، ج ۲، قم.
- الجواهری (۱۳۶۶)، *جواهر الکلام*، تحقیق و تعلیق: محمود قوجانی، تصحیح: سید ابراهیم المیانجی، ج ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه (چاپخانه آیدا).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۳۰، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

- ح سینی، سیدکبیر (۱۳۹۵)، «شخصیت زن در قرآن و عهدین»، اندیشه‌های قرآنی، ش ۵.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *نواب الأعمال و عقاب الأعمال*، ج ۲، قم.
- الحلّی (بی تا)، *تذکره الفقهاء* (ط.ق)، منشورات المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۵)، *تاریخ تمدن*، ج ۱ (مشرق زمین گهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام، تهران.
- الرازی، فخرالدین (۱۴۱۲ق)، *المحصول*، تحقیق: دکتر طه جابر فیاض العلوانی، ج ۲، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- زحیلی، وهبه مصطفی (۲۰۰۰م)، *تعدد الزوجات فی الاسلام*، تحقیق: محمد الجش، دمشق: دارالحافظ.
- زحیلی، وهبه مصطفی (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، *الفقه الاسلامی و ادلته*، دمشق.
- السیوطی، جلال‌الدین (بی تا)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر.
- الشافعی (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)، *الأم*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۰، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- الطوسی (۱۴۱۴ق)، *الخلافة*، ج ۶، قم: مؤسسة النشر الإسلامی (التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة).
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام* (تحقیق خراسان)، ج ۴، تهران.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵/۱۹۶۶م)، *علل الشرائع*، ج ۲، قم: کتابفروشی داوری.
- عبود، عبدالغنی (۱۹۷۹م)، *الاسرة المسلمة والاسرة المعاصرة*، قاهره.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ج ۲، بیروت: نشر مرتضوی.
- فخرالمحققین، محمد هادی، *دانشنامه شیخ الاسلامی*، دفتر سوم به نقل از: hawzah.net
- فیض کاشانی، محمدحسین (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، ج ۲، تهران.
- القزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، *سنن ابن ماجه*، ج ۲، تحقیق و ترقیم و تعلیق: محمد فؤاد عبد الباقی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- قطب راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن*، ج ۲، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).

- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، ۲۰ جلد، ج ۱، تهران: ناصر خسرو.
- کاوشی نو در فقه (فصلنامه علمی-پژوهشی jf.isca.ac.ir)
- کیسی، احمد (۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)، فلسفة نظام الاسرة فی الاسلام، بغداد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط-الإسلامية)، ج ۴، تهران.
- کجاهراسی، علی بن محمد (۱۴۲۲ق)، احکام القرآن، ۴ جلد، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون)
- ابن حبان (۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م)، صحیح ابن حبان، تحقیق: شعب الأرنؤوط، ج ۲، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- لویون، گوستاو (۱۳۷۸)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، ۱۰ جلد، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون)
- محمود، عبدالحمید محمد (۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م)، حقوق المرأة بین الاسلام والديانات الاخری، قاهره.
- مجله معارف اسلامی، پیامبر ﷺ و تعدد زوجات در اسلام، تیر، مرداد و شهریور ۱۳۸۵، شماره ۶۴
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۳۰ جلد، ج ۸، قم: انتشارات صدرا.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، ج ۲، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، نظام حقوق زن در اسلام، ج ۱۴، قم: انتشارات صدرا.
- مظفر نجفی، محمد حسن (۱۴۲۲ق)، دلائل المصدق لنهج الحق، ۶ جلد، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۷ق/۱۳۸۵)، الفقه علی مذاهب الخمسة، ۲ جلد، ج ۵، قم: شریعت.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- منتسکیو (۱۳۴۹)، روح القوانين، مترجم علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۱، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.

- ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، ۴ جلد، ج ۱، بیروت: دار الجیل.
- موسوی مبلغ، سید محمد حسین، «بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان: اسلام و تمثیسیسم»، منتشر شده در: در maarefquran.org.
- نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نوری، یحیی (۱۳۸۵)، حقوق زن در اسلام و جهان، ج ۶، تهران: نوید نور.
- وافق، علی عبدالواحد (۱۹۶۰م)، بیت الطاعة و تعدد الزوجات و الطلاق فی الاسلام، قاهره.
- الهندی، المتقی (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- هیوم، رابرت ارنست (۱۳۷۷)، ادیان زنده جهان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ج ۷، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن قدامه، عبدالله (بی تا)، المعنی، بیروت: دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع.
- ابوشقه، محمد عبدالحلیم (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، تحریر المرأة فی عصر الرسالة، کویت.
- أحمد بن حنبل (بی تا)، مستند أحمد، ۶ جلد، ج ۲، بیروت: دار صادر.
- الأردبیلی، زبدة البیان فی أحكام القرآن (بی تا)، تحقیق و تعلیق: محمد الباقر البهبودی، ج ۱، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- البيهقي، أحمد بن الحسين (بی تا)، السنن الكبرى، دار الفكر.